

**From Philosophical Narrative of History to Narrative of  
Philosophy of History: A Critical Reading of the Book  
“History by the Narrative of Philosophy; From Herodotus to  
Alain Badiou”**

**Mohsen Alviri\***

**Abstract**

Thinking about history has increased and gained a wide range of changes in recent decades. If we consider the “*Philosophy of History*” to be the result of these changes, given the almost great distance between us Iranians and the world level of these studies, the importance of the methodical awareness of new studies and approaches in this issue becomes clear. “History by Narrative of Philosophy: From Herodotus to Alain Badiou”, deserves to be read as an outstanding book in this field because of its characteristics. This article is a critical review of the book in the following topics: the ambiguity of the book’s title, the divergent multiplicity of the book’s purpose, the confusion in the chapters and sub-chapters, the ambiguity of the position of this book among the other works in this field, the obvious lack of paying attention to the Eastern and Islamic heritage, Confusion and inconsistency of the terms related to the currents of thought and finally ambiguity in new definition of history. After reflecting on the technical and editorial aspects of the work, the paper concludes that although the book fails to distinguish between the philosophical narrative of history and narrative of the philosophy of history, and so it has been far from the conventional mentality of historians, but it has many useful benefits for them.

**Keywords:** Philosophy of History; Philosophical History; Philosophy and History; History and Social History; Historiography

---

\* Associate Professor of History, Faculty Member of Baqir al-Ulum University, Qom, Iran,  
alvirim@gmail.com, alviri@bou.ac.ir

Date received: 2020-08-26, Date of acceptance: 2021-01-20

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## از روایت فلسفی تاریخ تا روایت فلسفه تاریخ؛ خوانش انتقادی کتاب "تاریخ به روایت فلسفه؛ از هرودت تا آلن بدیو"

محسن الویری\*

### چکیده

اندیشیدن در باره تاریخ در چند دهه اخیر فربهی بسیار و یک دگرگونی دامنه‌دار یافته است. اگر "فلسفه تاریخ" را مولود این تحول بدانیم، با توجه به فاصله تقریباً زیاد ما ایرانیان با آن، آگاهی روشمند از مطالعات و رویکردهای جدید در این شاخه معرفتی اهمیت می‌یابد. کتاب "تاریخ به روایت فلسفه؛ از هرودت تا آلن بدیو" به دلیل ویژگیهایی که دارد، به عنوان یک اثر شاخص در این زمینه شایسته بازخوانی است. نوشتار پیش رو مروری انتقادی بر این کتاب در قالب محورهای زیر دارد: ابهام‌زایی عنوان کتاب، چندگانگی واگرایانه هدف تدوین کتاب، آشفتگی فصل‌بندی و زیرفصلها، مشخص نبودن جایگاه این کتاب در بین آثار تألیف یافته در این زمینه، کاستی آشکار توجه به میراث شرقی و اسلامی، و در هم آمیختگی و ناهمترای اصطلاحات مربوط به جریانهای فکری و ابهام در چستی تعریف جدید تاریخ. مقاله پس از پرداختن به تأملاتی در باره جنبه فنی و ویرایشی اثر، با این جمع‌بندی به پایان می‌رسد که هر چند کتاب نتوانسته است بین روایت فلسفی تاریخ و روایت فلسفه تاریخ مرزی آشکار بگذارد و به همین دلیل از ذهنیت متعارف تاریخ‌پژوهان در باره فلسفه تاریخ فاصله گرفته است، اما آورده‌های سودمند بسیاری برای آنها دارد.

**کلیدواژه‌ها:** فلسفه تاریخ، تاریخ فلسفی، تاریخ و فلسفه، تاریخ و علوم اجتماعی، تاریخ‌نگاری.

\* دانشیار تاریخ، عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران (نویسنده مسئول)، alviri@bou.ac.ir  
alvirim@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

## ۱. مقدمه و بیان مسأله

نگاه بیرونی به رویدادهای تاریخی هر چند زاده مرحله پس از ثبت رویدادهای تاریخی است، اما نشانه‌های آن را از گذشته‌های دور می‌توان یافت. این نگاه در سیر تاریخی خود و در سرزمینهای مختلف فراز و نشیبی خواندنی داشته است. با توجه به گسترش چشمگیر مطالعات درجه دوم در باره دانش تاریخ در دهه‌های اخیر، عملاً زمینه مناسبی برای پی‌ریختن بن‌مایه یک شاخه معرفتی جدید که پشت‌گرم به آن پیشینه تاریخی هم بود، فراهم آمد و بدین سان دانشی نو به نام فلسفه تاریخ زاده شد.<sup>۱</sup> این دانش در دامن رشته تاریخ بالید و اکنون به درجه‌ای از فربهی متون و منابع و بلوغ گزاره‌ها و روش رسیده است که بر آن است خود به عنوان یک رشته تحصیلی جدید ادامه حیات دهد. در ایران نیز چندین دهه است، درس فلسفه تاریخ به اندازه دو واحد درسی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های تاریخ و تمدن ملل اسلامی عرضه می‌شود و اکنون گامهایی برای راه‌اندازی یک رشته تحصیلی مستقل در این زمینه در یکی از مراکز آموزش عالی کشور برداشته شده است.<sup>۲</sup>

بومی نبودن این شاخه معرفتی از یک سو<sup>۳</sup> و جامه رشته تحصیلی نبوشیدن آن تاکنون سبب شده است که فاصله ما از سطح مطالعات جهانی در این زمینه زیاد باشد؛<sup>۴</sup> اما نوپدید بودن آن هم سبب شده است که این فاصله نگران‌کننده نباشد و در صورت وجود یک اراده جدی نه تنها می‌توان این فاصله را تا اندازه خیلی زیادی کاست، بلکه در پرتو نگاههای نو به میراث شرقی به صورت عام و سنت اسلامی به صورت خاص می‌توان پرچمدار دیدگاهی نو در سطح جهان بود.<sup>۵</sup>

مطالعات جهان عرب در این زمینه زودتر از کشور ما آغاز شده و بیشتر و ژرف‌تر از سطح مطالعات ما گسترش یافته است.<sup>۶</sup> آثار منتشر شده در پیوند با این موضوع در ایران به صورت عمده ترجمه است و جز آثار شهید مطهری که جنبه تألیف دارد ولی به صورت عمده ناظر به نقد مارکسیسم است،<sup>۷</sup> کتاب شاخص و جهت‌دهنده و اثرگذاری دیگری در کشورمان تدوین نشده است؛<sup>۸</sup> هر چند نباید سهم و جایگاه مقالات قابل توجهی که در این زمینه در نشریات تخصصی تاریخ نگاشته شده است را نادیده گرفت.<sup>۹</sup> نشانه دیگر جایگاه بایسته نیافتن این مباحث در کشور ما نوعی آشفتگی نظری در مسائل و نظام موضوعات آن در کنار شیفتگی به پرداختن به آنهاست.<sup>۱۰</sup> شاید این سخن گزاف نباشد که ابهام در تبار دانشی "فلسفه تاریخ" یعنی ابهام در وابستگی آن به تکرشته تاریخ و یا تکرشته فلسفه و

یا قرار داشتن آن در شمار دانشهای چندرشته‌ای و یا بین‌رشته‌ای نقطه کانونی و سرآغاز این آشفتنگی است. دشواری‌های تدریس این واحد درسی در دانشگاهها را هم می‌توان گواه دیگری بر نابسامانی‌های این قلمرو معرفتی به شمار آورد. درس فلسفه تاریخ هر چند اغلب در گروه تاریخ و برای دانشجویان رشته‌های مختلف علوم تاریخی عرضه می‌شود ولی تا چندی پیش، بیشتر مدرسان آن وابسته به گروههای دیگر آموزشی ولی میهمان گروههای تاریخ بودند. شاهد دیگر تکاپوهای نامنسجم موجود در زمینه فلسفه تاریخ، پیدایش فلسفه‌های انضمامی علاقمند به موضوعات مختلف از جمله تاریخ در کنار کوششهای فزاینده پژوهشگران رشته تاریخ برای ژرف‌نگری‌های نظری در این زمینه است.

در چنین فضایی در کشور ماست که کتاب "تاریخ به روایت فلسفه" که با انگیزه معرفی آن چه در دیار غرب میگذرد ولی از همان ابتدا به زبان فارسی و برای مخاطب ایرانی نوشته شده است، می‌تواند بسیار قابل توجه باشد.

## ۲. معرفی کتاب

کتاب "تاریخ به روایت فلسفه؛ از هرودت تا آلن بدیو" نوشته آقای احمد محمدپور و ویراسته آقای مقدم مهدوی با شابک ۳ - ۸ - ۹۷۵۳۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸ از سوی نشر لوگوس (به نشانی: [www.irlogos.com](http://www.irlogos.com)) در سال ۱۳۹۶ ش. در شهر قم منتشر شده است. چاپ اول این کتاب در قطع رقعی با جلد نرم با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه صورت گرفته است. کتاب دارای یازده فصل است و همراه با فهرست تفصیلی مطالب و مقدمه ناشر و سخنی با خواننده (به قلم نویسنده) در آغاز کتاب و فهرست منابع فارسی و منابع انگلیسی و نمایه در انتهای آن، جمعا در ۶۲۸ صفحه با کاغذ کاهی سبک تدوین شده است (در جدول فهرست‌نویسی پیش از چاپ (فیفا) و نیز در سامانه نشر لوگوس، تعداد صفحات این کتاب ۶۱۸ صفحه ذکر شده است). از ۴۲ صفحه فهرست منابع (۵۷۵ تا ۶۱۶) یک صفحه به منابع فارسی و بقیه به منابع انگلیسی اختصاص دارد. نمایه کتاب (از ص ۶۱۷ تا ۶۲۸) هم به صورت یکپارچه و دربردارنده و در هم‌کردی از نام اشخاص و کتابها و حکومتها و مفاهیم تنظیم شده است.

کتاب با همه مزیت‌هایی که از نظر چاپ دارد، از نظر حروف‌چینی به دلیل ریز بودن حروف انتخاب شده، چشم‌آزار است. طرح روی جلد کتاب که ظاهرا نمادی از زمین و آسمان و پیوند آن دو و یا حرکت از خاک به سوی افلاک است، شاید برای کتابی در باره

تاریخ به روایت دین مناسب‌تر بود. گزاف نیست که گفته شود هیچ نماد خالی از انسان و یا ساخته‌های دست انسان نمی‌تواند تاریخ را به ذهن مخاطب متبادر سازد. ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست که کتاب با کلامی شاعرانه در چهار سطر به رفتگان زلزله کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ ش. اهدا شده است.

### ۳. معرفی نویسنده

آقای دکتر احمد محمدپور (۱۳۵۵ ش. -) عضو پیشین دانشگاه بوعلی همدان که در عنوان کتاب عضو دپارتمان انسان‌شناسی دانشگاه ماساچوست - امهرست معرفی شده است، در ایران با تألیف سه کتاب در زمینه روش‌شناسی با عنوان: "روش در روش: در باره ساخت معرفتی در علوم انسانی" و "فراروش: بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری" و "ضد روش: زمینه‌های فلسفی رویه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی" جایگاه تقریباً شناخته‌شده‌ای در پدیدآورندگان آثار انتقادی مربوط به روش‌شناسی با رویکرد فلسفی دارد. شایستگی علمی ایشان برای تدوین این کتاب، با وجود نداشتن پیشینه تألیف در زمینه مباحث نظری تاریخ، محل تردید نیست.<sup>۱۲</sup>

### ۴. ابهام‌زایی عنوان کتاب

عنوان کتاب یعنی "تاریخ به روایت فلسفه؛ از هرودت تا آلن بدیو" به باور مؤلف به صورت "تلویحی و گاه انضمامی به تاریخ اندیشیدن در باره تاریخ" (محمدپور، ۱۳۹۶: ۵۷۳) می‌پردازد. و عنوان فرعی آن "گرچه به نظر بس غریب می‌آید، اما بیانگر امتداد تاریخی اندیشیدن در باره خود تاریخ است" (همان). این عنوان

نه تنها نشان از پیوستگی مداوم و محکم تأمل در باره‌ی تاریخ دارد، بلکه آن را در زمینه‌ی وسیع‌تر فکری و فرارشته‌ای قرار می‌دهد که وقایع‌نگاری کلاسیک تنها یکی از عناصر آن است نه کل هدف و مسیر آن. از سوی دیگر، در نظر دارد نقطه‌ی عزیمت تاریخ را با اندیشه معاصر نیز پیوند بزند. (همان)

با وجود این توجیه نویسنده محترم، هم در باره عنوان اصلی و هم عنوان فرعی کتاب تأملاتی وجود دارد. در باره عنوان اصلی که در حقیقت هدف اصلی نگارش کتاب را گزارش می‌کند، در بخش مربوط به هدف نگارش کتاب نکته‌ای بیان خواهد شد، ولی در

باره عنوان فرعی نام کتاب همین جا باید گفت که اهداف سه‌گانه برشمرده شده از سوی مؤلف به اندازه‌ای واگرا هستند که در تعبیر "از ... تا ..." به صورت یکجا و همزمان قابل جمع نیست، این شیوه بیان یا برای اشاره به نقطه آغاز و پایان زمان و مکان به کار می‌رود و یا برای اشاره به دو سر یک طیف مفهومی یا فیزیکی بی آن که الزاماً پیوستگی این دو سر طیف مد نظر باشد.<sup>۱۳</sup> اگر مراد مؤلف از این تعبیر نشان دادن توالی زمانی باشد، موضوع ابتدا و انتهای این خط توالی، باید از یک تبار باشند، و حال آن که هرودوت Herodotus و آلن بدیو Alain Badiou از یک تبار نیستند، هرودوت مورخ است<sup>۱۴</sup> و به عنوان نظریه‌پرداز در تاریخ شناخته نمی‌شود و برعکس آلن بدیو نیز یک فیلسوف نمایشنامه‌نویس و رمان‌نویس است<sup>۱۵</sup> و به عنوان مورخ و حتی نظریه‌پرداز تاریخ شناخته نمی‌شود. و اگر هم مراد نویسنده محترم از این عنوان فرعی تأکید بر فرارشتگی مباحث است، دیگر باید پذیرفت که از این عنوان "پیوستگی مداوم" برداشت نمی‌شود؛ همان طور که در تعبیری مثل "از شیر مرغ تا جان آمیزاد" دیگر پیوستگی مد نظر نیست بلکه این تعبیر اشاره به تنوع دارد و حرف "تا" به معنی "حتی" به کار رفته است.

به هر حال، با توجه به محتوای کتاب، به نظر می‌رسد که در صورت تمایل و یا اصرار مؤلف به داشتن عنوان فرعی، عنوان "تأملات / تأملاتی در باره پیوند تاریخ و فلسفه" برای این محتوا مناسب‌تر از عنوان فرعی کنونی بود.

## ۵. چندگانگی واگرایانه هدف تدوین کتاب

این کتاب که "مهمترین هدف خود را پیشنهاد دادن شیوه جدیدی می‌داند برای نگرستن و نگاشتن تاریخ" (همان: ۵۷۴)، در عباراتی دیگر پس از پایان یافتن نگارش کتاب، هدف خود را اینگونه بیان کرده است:

هدف این کتاب ارایه‌ی روایتی بود فلسفی از علم تاریخ، نگاهی نسبتاً کل‌نگر به آن چه موضوع این رشته تلقی می‌شود، مسیری که پیموده است یا می‌پیماید، اصولی که بر می‌گزیند، هدفی که فرا روی خود نهاده یا الزامات اخلاقی و انسانی نوینی که باید ناگزیر در نظر گیرد. تاریخ به روایت فلسفه، تاریخ فلسفی و روشی تاریخ را به ارزیابی گذاشت و آن را به زبان خاص فلسفه بیان کرد؛ در این کتاب از نسبت بس عمیق تاریخ با فلسفه و دیگر علوم اجتماعی نیز سخن رفت و بر هویت فلسفی آن همچون آمیزه‌ای از نگرستن، دریافتن و نوشتن تأکید شد. (محمدپور، ۱۳۹۶: ۵۷۲)

چند نکته زیر هم که مؤلف مایل بوده است آنها را یادآوری و بر آنها اصرار کند، می‌توان ابعادی دیگر از هدف تألیف کتاب را برای خواننده روشن کند (همان: ۵۷۳ - ۵۷۴):

- برجسته کردن رویکردها و روشهایی که شاید همواره در دانش تاریخ حضور داشته‌اند، اما ملموس و نمایان نبوده‌اند و یا ناخواسته مسلم فرض شده باشند، مانند تبیین، استدلال یا رویکردهای تأویل‌گرایی یا تفسیرگرایی تاریخی.

- واکاوی نسبت و کاربرد برخی رویکردها در حوزه تاریخ که احتمالاً در تیررس دقت علاقمندان قرار نگرفته‌اند؛ مانند فلسفه‌های قاره‌ای و تحلیلی تاریخ و یا واکاوی دستاوردهای نظری و روشی رویکردهایی مثل اتمیسیسم منطقی و رئالیسم انتقادی برای دانش تاریخ.

- ایجاد ارتباط بین دانش تاریخ و رویکردها یا آرای متفکرانی که گمان می‌رود یا هیچ نسبتی با نسخه‌های متعارف تاریخ‌نگاری ندارند یا در چارچوب علوم اجتماعی دیگر مطرح‌ند؛ مانند پدیدارشناسی، اگزیستانسیالیسم، مطالعات فرهنگی، نظریه انتقادی، پراگماتیسم و یا متفکرانی مانند دریدا، دلوز، ژیاک، آگامبن و بدیو که مراجعه به آنها برای تاریخ خیلی سودمند است.

- ارائه تعریف نسبتاً جدیدتر و بین‌رشته‌ای‌تر از تاریخ. از این منظر تاریخ به مثابه ثبت و ضبط گذشته یا حال تنها محدود به وقایع و رخدادها مشاهده پذیر نیست، بلکه می‌تواند چون بایگانی اندیشه‌ها نیز خوانده شود. پرداختن به کتابهایی مانند بحران علوم اروپایی و پدیدارشناسی استعلایی هوسرل یا بقایای آشویتس نوشته آگامبن به عنوان نمونه‌هایی ایده‌آل، از این منظر صورت گرفته است.

جالب اینجاست که در آخرین جمله معرفی پشت جلد کتاب نیز در عبارتی کلی که آن هم در حقیقت بیانگر هدف تألیف کتاب است چنین آمده است:

... بر این اساس، کتاب حاضر مقدمه‌ای است نسبتاً جامع و متفاوت برای علاقه‌مندان به

فلسفه‌ی علوم اجتماعی و به ویژه فلسفه‌ی تاریخ

این اهداف گوناگون برای تألیف یک کتاب را میتوان با مسامحه به دیده مثبت‌نگریست و به جای برداشت واگرا بودن کتاب و یا روشن نبودن صورت مسأله برای مؤلف، آن را شاهدهی بر قلمروهای مختلف محتوای کتاب و دلالت‌های چندگانه آن دانست. ولی از بین



مجموعه اهدافی که برای تدوین این کتاب برشمرده شده است، سه هدف زیر به وجه فلسفی کتاب اشاره دارد:

- ارایه روایتی فلسفی از علم تاریخ

- ارزیابی تاریخ فلسفی تاریخ و تاریخ روشی تاریخ به زبان خاص فلسفه

- تأکید بر هویت فلسفی تاریخ همچون آمیزه‌ای از نگرستن و دریافتن و نوشتن تاریخ

این سه هدف در مقایسه با دیگر موارد محوری تر هستند و می‌توانند نمایانگر روح حاکم بر کل کتاب باشند، ولی باید به این نکته مهم توجه داشت که این سه مقوله کاملاً متفاوت از هم هستند و به آسانی در یکجا جمع نمی‌شوند، زیرا هر یک از آنها روش و ساختار ویژه خود را می‌طلبند. روایت فلسفی یک پدیده نیز الزاماً به معنی هویت فلسفی داشتن آن پدیده نیست، همان طور که تعبیر تاریخ فلسفی تاریخ تعبیری گنگ و نارساست. این ابهام و نیز ابهام موجود در روایت فلسفی تاریخ ریشه در این دارد که دقیقاً مشخص نیست این راوی کیست؟ یک فیلسوف است که به بررسی تاریخ از منظر فلسفه پرداخته است و یا یک مورخ است که کوشیده است وجه فلسفی تاریخ و یا از منظر فلسفه به بررسی تاریخ پرداخته است. اگر قرار است نگاه فیلسوفان روایت شود (آن گونه که از عنوان اصلی برداشت می‌شود) دیگر کسانی مانند هرودت و مورخان رومی نباید جایگاهی در این میان داشته باشند و اگر چنین نیست بسیاری مورخان دیگر هم باید مورد بررسی قرار گیرند. ابتکار مترجم کتاب *Fly and Fly-Bottle: Encounters With British Intellectuals* نوشته ود مهتا Ved Mehta در ترجمه عنوان کتاب به "فیلسوفان و مورخان: دیدار با متفکران انگلیس" شاید به همین دلیل است که پیدا کردن تعبیری مناسب که بتواند به خوبی چگونگی پیوند بین تاریخ و فلسفه را گزارش کند، بسیار دشوار است و گاه تنها باید در یک ترکیب عطفی ساده، فیلسوفان و مورخان را کنار هم نشانند و درباره پیوندهای میان آنها سکوت کرد. آقای فولادوند در ترجمه مقاله دیگری نیز از رابرت برنز و البته این بار به پیروی از مؤلف تنها از ترکیب عطفی دو کلمه فلسفه و تاریخ بهره برده است. (برنز، ۱۳۸۱: ۸)

ابن ابهام نسبی در هدف کتاب، تا اندازه‌ای در این که مخاطب این کتاب کیست، ابهام ایجاد کرده است. این که این کتاب برای دانشجویان تاریخ نوشته شده است یا دانشجویان فلسفه، به درستی معلوم نیست؛ هر چند شواهد این که کتاب سودای تأمین نظر فلسفه‌پژوهان را دارد، بسیار بیشتر است. پیش از این هم اشاره شد که در معرفی پشت جلد

کتاب، از علاقمندان به فلسفه علوم اجتماعی به عنوان مخاطبان اولیه کتاب یاد شده است. رنگ فلسفی این کتاب به حدی زیاد است که دانشجوی تاریخ نمی‌تواند با واژگان و تعابیر نامأنوس کتاب رابطه برقرار و به آن احساس نیاز کند و حتی چه بسا حس کم فایده بودن این مباحث به او دست دهد. البته اگر دانشجوی تاریخ مخاطب اصلی و اولیه کتاب نبوده باشد، نقصی برای کتاب به شمار نمی‌رود، ولی مهم این است که هدف تدوین کتاب و مخاطبان اصلی آن از همان ابتدا هم برای نویسنده و هم برای خواننده مشخص باشد.

## ۶. آشفتگی در فصل‌بندی کتاب و زیرفصلها

این کتاب یازده فصل دارد. از نظر مؤلف، فصل‌بندی کتاب که در کنار شکل و محتوی آن می‌تواند راه متفاوت کتاب را در مقایسه با دیگر آثار این حوزه نشان دهد، از یک منطق مشخص پیروی می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۶: ۵):

- فصلهای اول تا ششم کتاب به مفاهیم و اصول، نوع‌شناسی تبیین، مبانی استدلالی، نگاهی به تاریخ تاریخ‌نگاری، پیوستار فاره‌ای - تحلیلی و فراسوی رئالیسم اختصاص یافته است.

- فصلهای هفتم تا دهم شیوه متفاوتی را دنبال می‌کند. به باور نویسنده (همان، ۶) "مهمترین مشخصه این عصر در رابطه با فلسفه، حرکت به سمت فلسفه زیستی، فلسفه عصب شناختی، فلسفه ذهن و فلسفه روان است که وجه مشترک آنها را ترکیبی از نگاه ماتریالیستی و استعلایی به جهان تشکیل می‌دهد. جریانهای مذکور، رادیکال (نه الزاما در معنای مارکسیستی آن)، ماده‌گرا، دگرگون‌گر، استعلایی (نه در معنای الهیاتی آن) و انسان‌گرا هستند. بر این اساس، بازگشت به انسان و مشخصه‌های این جهانی وی، ستون اصلی این نظریه‌ها را شکل می‌دهد." رهیافتها و متفکرانی که در این فصلها آورده شده‌اند، همگی بر سر یک نکته اتفاق نظر دارند: ضرورت بازگشت به ریشه‌ها برای دستیابی به معرفت رادیکال. عناوین این فصول که بر پایه تحلیلی سامان یافته‌اند، چنین است: فلسفه‌های وجودی تاریخ: آگزیستانسیالیسم و پدیدارشناسی، نقد فرهنگ و پرابلماتیک بازنمایی: پراگماتیسم، نظریه انتقادی و مطالعات فرهنگی، فلسفه‌های پراکنده: دریدا، دلوز و ژیراک، چپ‌نو: آگامبن و بدیو.

- فصل یازدهم با عنوان "سخن آخر" که تنها سه صفحه دارد، در حکم جمع‌بندی کتاب است.

در این باره نیز با وجود کوشش مؤلف محترم برای توجیه و تبیین منطق فصل‌بندی کتاب، پرسشها و ابهامهای زیادی برای این فصل‌بندی به ذهن می‌رسد. فصل‌بندی کتاب به صورت کنونی غیرمنسجم و واگراست و از نظم متعارف و منطقی منابع مربوط به مباحث فلسفی تاریخ پیروی نمی‌کند و یا دست کم با آن سازگار نیست. فصل‌بندی کنونی نه موضوع محور (فصل‌بندی بر اساس مهمترین موضوعات مورد بررسی در فهم و تبیین فلسفی تاریخ) است، نه شخص محور (فصل‌بندی بر اساس مهمترین چهره‌های و صاحب‌نظران فلسفه تاریخ)، و نه مکتب محور (فصل‌بندی بر اساس برشمردن مهمترین مکتبهای فکری و بررسی آرای آنها در باره تاریخ) نه زمان محور (فصل‌بندی بر اساس سیر تاریخی یا سیر تحول اندیشه‌های فلسفی در باره تاریخ) و نه مکان محور (فصل‌بندی بر اساس کشورهای مختلف محل زیست فیلسوفان و صاحب‌نظران تاریخ).

این واگرایی و عدم انسجام در عناوین زیرفصلها با شدت بیشتری به چشم می‌خورد. هر چند شاید ذکر تمامی زیرفصلها ملال‌آور باشد ولی برای مستند ساختن درستی این ادعا لازم به نظر می‌رسد:

- زیرفصلهای فصل اول (مفاهیم و بنیانها) چنین است: مقدمه، فلسفه‌ی تاریخ: برخی اشارت‌ها، وظایف مورخ، امکان معرفت تاریخی، سطوح تحلیل تاریخی، دانش تاریخ‌نگارانه، فهم تاریخ‌نگارانه، قوانین تاریخ، روایت و تفسیر، تحقیق و نگارش تاریخی، عینیت تاریخ‌نگارانه، عینیت و روش، تاریخ تطبیقی، وفاق و معرفت.

- عنوان زیر هم به عنوان زیرفصلهای فصل دوم (نوع‌شناسی تبیین) جلب نظر می‌کند: مقدمه، تبیین در تاریخ‌نگاری، تبیین در میانه‌ی علم و غیرعلم، تفسیر و تبیین و تفهم، تبیین‌های روایی، تبیین‌های علمی، تبیین‌های تبیینی، تبیین‌های ژنتیکی، تبیین‌کنش فردی، تبیین‌کنش جمعی، تبیین عقلانی‌کنش‌های اجتماعی، تبیین تغییر اجتماعی، علل کوچک فراوان، فرضیات علمی عام و خاص، استدلال‌های علمی در میان‌تاریخ، عین‌گرایی در برابر ذهن‌گرایی، ایده‌ی تاریخ جهان‌شمول.

- در فصل سوم (مبانی استدلالی) نیز این زیرفصلها وجود دارد: مقدمه، تجمیع، تجمیع و دغدغه‌های فلسفی، هستی‌شناسی ابژه‌های تاریخ‌نگارانه، هستی‌شناسی اجتماعی و تبیین، مفاهیم و انواع، تاریخی و خطاهای منطقی مورخان، مغالطه‌ها و مورخان،

تاریخ‌نگاری و اسطوره، محدودیتهای تاریخ‌نگاری، فرض‌ها و استدلال‌های خلاف واقع، نظریه‌ی انتقادی حقیقت، متون و معنی، علل کنش‌های انسانی، حقیقت و توصیف.

- فصل چهارم (نگاهی به تاریخ تاریخ‌نگاری) دربردارنده این زیرفصلهاست: مقدمه، هرودت، توسیدید، تاریخ عمومی (۳۰۰ - ۱۰۰۰)، تاریخ قومی - ملی (۵۰۰ - ۱۰۰۰)، تاریخ محلی و تاریخ نهادی (۳۰۰ - ۱۰۰۰)، بیوگرافی مسیحی، تاریخ‌نگاری جهان در اواخر قرون وسطی، تاریخ دودمانی، تاریخ معاصر یا تاریخ چشم‌دید، تاریخ‌نگاری شهری، مورخان یونانی، بنیان‌های رومی تاریخ‌نگاری، پیدایش تاریخ‌نگاری یونانی، فلسفه‌ی اسلامی تاریخ، تاریخ‌نگاری در عصر رنسانس، تاریخ‌نگاری در قرون نوزدهم و بیستم، تاریخ‌گرایی سکولار.

- مطالب فصل پنجم (پیوستار قاره‌ای - تحلیلی) نیز با این زیرفصلها سامان یافته است: مقدمه، فلسفه‌ی تأملی تاریخ، هگل و الهیات تاریخ، مارکس و الهیات زمینی، فلسفه‌ی قاره‌ای، فلسفه تحلیلی تاریخ، اثبات‌گرایی، اثبات‌گرایی منطقی، اتمیسم منطقی، رئالیسم، رئالیسم تحلیلی.

- فصل ششم (فراسوی رئالیسم) این زیرفصلها را دربردارد: مقدمه، ضد رئالیسم، رئالیسم انتقادی، ابعاد لازم و غیرلازم معرفت، رئالیسم عالی و میان‌تاریخ، شرق‌شناسی، ذهنیت و سوژه‌ی پسااستعماری، روش‌شناسی شرق‌شناسی، تاریخ‌گرایی کلاسیک، تاریخ‌گرایی، نقد پوپر از تاریخ‌گرایی، تأویل‌گرایی، فلسفه‌ی تاریخ در پایان جنگ سرد، ابرتاریخ، نقد فرهنگی، روایت‌گری، رویکرد پساتاریخی، پست‌مدرنیسم.

- در فصل هفتم (فلسفه‌های وجودی تاریخ: اگزیستانسیالیسم و پدیدارشناسی) نیز این زیرفصلها را می‌توان مطالعه کرد: مقدمه، اگزیستانسیالیسم: زمان و تجربه، تلاش‌های سارتر، هایدگر و فلسفه‌ی تاریخ، پدیدارشناسی: پدیدار و توصیف و ذات، رئالیسم پدیدارشناختی، اولویت معرفت‌شناختی توصیف، اصل وفاداری، اپوخه، مسیر انفعالی - دریافتی هستی، توجه باز.

- در فصل هشتم (نقد فرهنگ و پرابلماتیک بازنمایی: پراگماتیسم، نظریه‌ی انتقادی و مطالعات فرهنگی) می‌توان به مطالعه این زیرفصلها پرداخت: مقدمه، پراگماتیسم: فراسوی دوگرایی، طبیعت‌گرایی و عینیت، شرایط حقیقت، درک پراگماتیک تاریخ،

پراگماتیسم کردن تاریخ‌نگاری، روزتی و پراگماتیسم متأخر، نظریه‌ی انتقادی: نقد به منزله‌ی ضرورت تاریخی، نظریه‌ی انتقادی و تاریخ‌نگاری انتقادی، تاریخ‌نگاری انتقادی، مطالعات فرهنگی: پیچیدگی و نگاه بین‌رشته‌ای، بنیان‌های اندیشمندی، مفاهیم و اصول، مطالعات فرهنگی و تاریخ‌نگاری.

- عنوان زیرفصلهای فصل نهم (فلسفه‌های پراکنده: دریدا، دلوز و ژیژک) چنین است: مقدمه، ردپای ژاک دریدا، واسازی و امکان، واسازی به مثابه‌ی روش، ژیل دلوز: پراکندگی و پیوستگی، شدن و بودن، اسلاوی ژیژک: مدرنیته و ابتدال، فروید لاکان، اخلاق میل، از میل به ایدئولوژی، ژوئیسانس و سیاست و خرد، سوژه و توهم و دیگری، این دو ژیژک، هگل و ژیژک و گیرنده‌ی در حال ناپدید شدن.

- و سرانجام در فصل دهم (چپ نو: آگامبن و بدیو) این زیرفصلها قرار دارد: مقدمه، جورجو آگامبن: انسداد اخلاقی و قدرت، هوموساکر و حیات برهنه، اخلاق مدرنیته، کودکی و تاریخ و زبان و مرگ، کودکی و تاریخ، منجی‌گرایی، روش‌شناسی آگامبن، آلن بدیو: به سوی کثرت، چرا هستی‌شناسی ریاضی؟، ریاضیات به منزله هستی‌شناسی، شرایط، سوژه، نظریه مجموعه‌ها، رخداد، توپوگرافی رخداد و حقیقت، بازتعریف زمان و رخداد.

- همان گونه که قبلاً اشاره شد فصل یازدهم نیز به جمع‌بندی مطالب اختصاص یافته است.

افزون بر ملاحظات ویرایشی مانند اطلاق فصل یازدهم به سه صفحه جمع‌بندی مطالب، به نظر می‌رسد برخی فصلها مانند فصل چهارم (نگاهی به تاریخ تاریخ‌نگاری) به صورت منطقی باید مقدم بر دیگر فصلها به ویژه مقدم بر فصل دوم و سوم آورده شود.

در باره زیرفصلها نیز این نکات شایسته ذکر است:

- **فقدان نظم روشن و قابل فهم در چینش زیرفصلها** - قبلاً هم اشاره شد که در عناوین زیرفصلها هم به روشنی درهم‌کردی واگرایانه از موضوع و نظریه‌پرداز و مکتب فکری و حتی نام کتاب دیده می‌شود. به عنوان مثال در فصل چهارم عناوینی مانند هرودوت، توسیدید، تاریخ عمومی، بیوگرافی مسیحی، مورخان یونانی، تاریخ‌نگاری در قرن نوزدهم و بیستم با وجود ناهمترازی بسیار با یکدیگر هم‌نشین هستند. در همین فصل پس از زیرفصلهایی مانند هرودت و مورخان یونانی و بنیانهای رومی تاریخ‌نگاری یک عنوان به پیدایش تاریخ‌نگاری یونانی اختصاص یافته

است که منطقی بر همه اینها مقدم است. در فصل ششم (فراسوی رئالیسم) آخرین زیرفصل به پست‌مدرنیسم اختصاص یافته است در حالی که قبل از آن عناوین مختلفی مانند شرق‌شناسی، و تاریخ‌گرایی و نقد فرهنگی و روایت‌گرایی آمده است، این که پست‌مدرنیسم هم‌تراز نقد فرهنگی و پس از آن آورده شود، به آسانی قابل توجه نیست. زیرفصلهای فصل نهم (فلسفه‌های پراکنده: دریدا، دولز و ژیاک) هم گویی پراکنده را از این واژه که در عنوان فصل به کار رفته اخذ و با خود همراه ساخته‌اند. زیرفصلهای این فصل بین نظریه‌پرداز و مفاهیم مدام در نوسان است. نمونه‌های بیشتری برای آشفتگی و واگرایی زیرفصلها می‌توان ذکر کرد.

- وجود عناوین گنگ و نارسا - تعابیری مانند "تجمیع" در فصل سوم و "اصل وفاداری" و "توجه باز" در فصل هفتم و شرایط حقیقت در فصل هشتم و "شرایط" و "سوژه" در فصل دهم نمونه‌هایی از این عناوین گنگ است.

- عدم تطبیق یا عدم تناسب عناوین زیرفصلها با عنوان فصل - به عنوان مثال در فصل سوم که مبانی استدلالی نام دارد در زیرفصلهای آن عناوینی مانند مفاهیم و انواع و یا متون و معنی و یا علل کنش‌های انسانی به چشم می‌خورد. و یا یکی از زیرفصلهای فصل ششم (فراسوی رئالیسم) تاریخ‌گرایی کلاسیک است. همچنین در فصل هفتم (فلسفه‌های وجودی تاریخ: اگزیستانسیالیسم و پدیدارشناسی) عملاً جز آن چه از یاسپرس و سپس هایدگر و کمتر از آن دو از سارتر ذکر شده است، بقیه مطالب ربطی روشن به فلسفه وجودی تاریخ ندارد.

## ۷. تأملاتی در باره محتوای کتاب

مؤلف محترم در ص ۵۷۴، نقدهایی را متوجه کتاب خود کرده است، این موضع فروتنانه را باید ستود، ولی این اقدام پیش‌دستانه مانع آن نیست که دیگر تأملاتی را که در باره محتوای کتاب به چشم می‌آید، مد نظر قرار نداد. مهمترین این تأملات چنین است:

- مشخص نبودن جایگاه این کتاب در بین آثار تألیف یافته در این زمینه - اشاره مؤلف تنها به سه کتاب ترجمه شده و یک کتاب تألیف و ترجمه‌ای در باره فلسفه تاریخ (محمدپور، ۱۳۹۶: ۵) به هیچ روی برای نشان دادن پیشینه این دست مطالعات در کشور ما بسنده نیست. شاید انتظار این که نویسنده محترم همه کتابها و رساله‌ها و

مقاله‌های نوشته شده در این زمینه را به دقت بررسی و نقد و جایگاه کتاب خود را نسبت به آنها مشخص کند، انتظاری خیال‌پردازانه باشد ولی دور از ذهن نیست که مرور دقیق‌تر مهمترین آثار منتشر شده در این حوزه اعم از تألیف یا ترجمه و یا دست کم بررسی تحلیلی این سه کتاب که نام برده شده، به مؤلف محترم برای چپش مناسب‌تر مطالب کتاب کمک می‌کرده است.

#### - کاستی آشکار توجه به میراث شرقی و به ویژه میراث اسلامی در باره فلسفه

**تاریخ** - نویسنده محترم که گویی از اساس هیچ کاری به میراث شرقی در باره فلسفه تاریخ ندارد، سه صفحه از کتاب را (از صفحه ۱۹۶ تا صفحه ۱۹۸) با عنوان زیرفصل "فلسفه اسلامی تاریخ" به بررسی نگاه اسلامی در این زمینه اختصاص داده است. صرف نظر از ابهام موجود در این زیرفصل در مقایسه با عنوان احتمالی "فلسفه تاریخ اسلامی"، نیمی از آن به گزارشی بسیار کوتاه و ناقص از قرآن و روایات اختصاص یافته است و نیم دیگر آن به ابن خلدون. این بخش با ارجاع به پنج منبع انگلیسی که شاید نویسنده دوتای آن هم به قرینه نامهایشان مسلمان باشند، نوشته شده است و هیچ ارجاع مستقیمی به قرآن و روایات و آثار اندیشمندان مسلمان ندارد. سخن در این نیست که چرا مؤلف به این موضوع با این درجه اهمیت و با این همه آثار درخور بی‌اعتنایی کرده است، بلکه سخن در این است که چرا همین مقدار را هم آورده است؟ این سه صفحه حتی برای معرفی ابن خلدون هم بسیار نابسند است.<sup>۱۶</sup> ای کاش این سه صفحه نیز آورده نمی‌شد، زیرا وقتی در کنار این همه اشخاص و جریانها و منابع مورد اشاره در این کتاب تنها به این اندک در باره نگاه اسلام بسنده می‌شود این پیام را به ذهن مخاطب القا می‌کند که در منابع اسلامی چیزی بیش از این یافت نمی‌شود و این یک سخن سخت نارواست. سنت اسلامی در زمینه تاریخ‌نگاری تا بدان پایه فریه و غنی است که تنها یک کتاب جامع التواریخ رشیدالدین فضل‌الله آن را "نیای فراموش شده تواریخ امروز کمبریج" شمرده‌اند. (زرین کوب ۱۳۷۰: ص ۷۴) ولی اگر مؤلف محترم آن جا که ادعا کرده است: "... کتاب به تاریخ اندیشیدن در باره تاریخ هم می‌پردازد" (محمدپور ۱۳۹۶: ۵۷۳) فروتنانه می‌گفت: "... کتاب به تاریخ اندیشیدن در باره تاریخ در مغرب زمین هم می‌پردازد" و عنوان اصلی کتاب را هم همسو و همسان با این واقعیت برمی‌گزید

و این سه صفحه مربوط به جهان اسلام را هم کنار می‌گذاشت هیچ خرده‌ای به کتاب در این زمینه گرفته نمی‌شد.

- در هم‌آمیختگی و ناهمترازی اصطلاحات مربوط به جریانهای فکری - یکی از نکاتی که شاید در همان نگاه نخست نظر خواننده را به خود جلب می‌کند، مرز نهادن بین اصطلاحاتی مانند مکتب فکری، جریان فکری، گرایش فکری، رویکرد فکری و دیگر اصطلاحاتی است که حکایتگر یک شیوه متمایز اندیشیدن است. این اصطلاحات هم‌تراز نیستند و هر فکر متمایزی الزاماً یک جریان فکری به شمار نمی‌رود، همانطور که یک فکر متمایز الزاماً به مفهوم یک نظریه متمایز نیست و اینها نیز به معنای یک مکتب متمایز نیست. به درستی روشن نیست که نویسنده محترم در پی بررسی مکتبهای فکری است، یا گرایشهای فکری و یا هر فکر متمایزی که در زمینه فلسفه تاریخ یا تاریخ به روایت فلسفه وجود دارد؟ اگر هدف کتاب همه اینها در کنار هم است، خرده‌ای نمی‌توان گرفت، اما می‌توان انتظار داشت که در یک تقسیم‌بندی گونه‌شناختی مرز هر یک از اینها از یکدیگر جدا شود و از پرداختن در هم‌آمیخته و آشفته به آنها پرهیز شود. البته تشخیص درست این که جایگاه هر یک از اندیشمندان در یک گروه‌بندی مفروض دقیقاً کجاست خود موضوعی جدا و به این سه دلیل دشوار است: این گروه‌بندی "ممکن است باعث شود که ما متفکران را به صورتی یک‌بُعدی مورد ارزیابی قرار دهیم" (هیوز ۱۳۸۹: ۱۹) و نیز "امکان دارد ما را به نادیده گرفتن ایده‌هایی که وی بر خلاف این مکتب ابراز داشته است، رهنمون شود." (همان) و افزون بر این دو، "این امر همچنین بحث کردن در باره نویسندگانی که بیشتر از یک نظریه می‌پردازند، دیدگاه‌هایشان را به مرور زمان تغییر می‌دهند، یا از نظریه‌ها به طرزی روشمند استفاده نمی‌کنند، مشکل می‌سازد." (همان)
- ابهام در چیستی تعریف جدید تاریخ - مؤلف محترم در جمع‌بندی پایانی کتاب اظهار داشته است:

در نهایت، کتاب تعریف نسبتاً جدیدتر و بین‌رشته‌ای‌تر از تاریخ ارائه می‌دهد. از این منظر، تاریخ به مثابه‌ی ثبت و ضبط گذشته یا حال تنها محدود به وقایع و رخدادهای مشاهده‌پذیر نیست، بلکه می‌تواند چون بایگانی اندیشه‌ها نیز خوانده شود. (محمدپور ۱۳۹۶: ۵۷۴)



از نظر نویسنده، بررسی دو کتاب بحران علوم اروپایی و پدیدارشناسی استعلایی نوشته هوسرل و بقایای آشویتس نوشته آگامبن دو نمونه ایده‌آل هستند که بر همین مبنا مورد بررسی قرار گرفته‌اند، زیرا این دو کتاب بر تاریخ اندیشه‌ی بشر در پیوند با جریان‌های سیاسی و اجتماعی وسیع‌تر متمرکز شده‌اند. (همان) صرف‌نظر از ابهام در کلمه بین‌رشته‌ای‌تر و تردید در طیف‌پذیر بودن این اصطلاح، انصاف آن است که نه تاریخ به مثابه بایگانی اندیشه‌ها تعریفی روشن و حتی تازه به شمار می‌رود و نه این جمع‌بندی ریشه در مطالبی دارد که صفحات پایانی فصل دهم را به خود اختصاص داده است. ادعای ارائه تعریف جدید از تاریخ به ویژه از منظر فلسفه نیازمند ارائه شواهد بیشتر و تبیین دقیق‌تر است.

## ۸. تأملاتی در باره جنبه فنی و ویرایشی کتاب

افزون بر تأملاتی که در باره محتوای کتاب ارائه شد، نکاتی نیز در باره ابعاد فنی و ویرایشی کتاب وجود دارد که مهمترین آنها را می‌توان در این محورها برشمرد:

- **عدم معرفی یا ذکر سال وفات نظریه‌پردازان مذکور در کتاب و پیامد آن - معرفی** بسیار کوتاه شخصیت‌هایی که از آنها نام برده شده است، می‌توانست بر ارزش کتاب بیافزاید. بی‌توجهی مؤلف به این موضوع و حتی عدم ذکر سال وفات صاحب‌نظران گاه موجب اشتباه‌هایی شگفت شده است. در شرایطی که مؤلف در فصل چهارم یک زیرفصل را ویژه تاریخ‌نگاری قرن نوزدهم و بیستم ساخته، رانکه را چهره کلیدی دوره رنسانس (یعنی پایان قرن هجدهم) به شمار آورده است. حتی اگر مسامحه مؤلف را برای امتداد یافتن عصر رنسانس تا پایان قرن هجدهم بپذیریم، رانکه (با نام کامل لئوپولد فون رانکه) در سال ۱۸۸۶م. یعنی تقریباً در اواخر قرن نوزدهم از دنیا رفته است و یادکرد او به عنوان چهره کلیدی دوره رنسانس توجیه‌پذیر نیست.

- **نیاز کتاب به یک اصطلاح‌نامه تخصصی -** با توجه به اتکای حجم اصلی مطالب کتاب بر منابع انگلیسی و بهره‌گیری بسیار زیاد از اصطلاح‌های تخصصی، جا داشت یک اصطلاح‌نامه در پایان کتاب تنظیم شود. معادل انگلیسی برخی از این اصطلاحات در پاورقی‌ها آمده است ولی برای تعداد بیشتری از آنها چنین نشده است.

- **ضرورت متمایز ساختن عناوین فرعی و فرعی‌تر** - قبلا هم در بخش مربوط به آشفتگی فصلها و زیرفصلها گفته شد که برخی فصلها عناوین فرعی (زیرفصلها) هم‌تراز نیستند و برخی از آنها فرع بر دیگری است. سزاوار است یا از طریق شماره‌گذاری و یا تفاوت اندازه و نوع حروف این عناوین از یکدیگر جدا شود.

## ۹. نتیجه‌گیری

آن چه گذشت شاید در بررسی وجه شکلی کتاب نگاهی فراگیر و همه‌جانبه‌نگر به شمار آید، ولی باید پذیرفت که در بررسی وجه محتوایی کتاب تنها به کلیات اثر و نیز ساختار آن محدود مانده است، همچون کسی که بر آستان یک بنا بایستد و در ارزیابی آن سخن براند. این را نباید خرده گرفت، چه سنجش محتوایی کتاب به معنای بررسی انتقادی مضامین و دلالت‌های یکایک گزاره‌های آن دفتری بسیار بزرگ می‌طلبد و این نوشته تنها یک مقاله در چارچوب ضوابط و معیارهای متعارف نشریات علمی است.

کتاب **"تاریخ به روایت فلسفه؛ از هرودت تا آلن بدیو"** با وجود تأملاتی که در باره آن بیان شد، بدون تردید برای دانشجویان رشته تاریخ علاقمند به مباحث نظری و فلسفی تاریخ کتابی بسیار سودمند و آگاهی‌بخش است و تا سالها می‌تواند به عنوان یک مرجع معتبر مورد استفاده قرار گیرد. این که دانشجویان و دانش‌پژوهان فلسفه تا چه اندازه از این کتاب بهره خواهند برد، را باید از زبان خود آنها شنید، اما از زبان یک شاگرد کوچک تاریخ با اطمینان می‌توان گفت که این کتاب برای دانشجویان تاریخ، دائره‌المعارف‌گونه‌ای است در بردارنده اطلاعاتی ارزشمند درباره مهمترین شخصیتها، صاحب‌نظران، کتابها، منابع و جریانهای فکری که به گونه‌ای سخنی در زمینه فهم فلسفی تاریخ دارند؛ بر این اساس با اطمینان می‌توان گفت که مرزهای آگاهی دانشجویان تاریخ در باره پیوندهای تاریخ و فلسفه، با مطالعه این کتاب چندین گام به جلو خواهد رفت. یکی از ارزشمندترین بخشهای کتاب، ۴۱ صفحه منابع انگلیسی (از صفحه ۵۷۶ تا ۶۱۶) است. باید صادقانه اعتراف کرد که حتی نام برخی از این کتابها و یا نویسندگان برای گوشه‌های ما دانشجویان تاریخ تازگی دارد. همین نکته در باره برخی از بخشهای قابل توجه و مطالب و مضامین کتاب هم صادق است.

گنگ بودن نسبی کتاب برای دانشجوی تاریخ را هم که در جای خود شایسته نقد است، نباید خیلی منفی دانست. این نکته چه بسا در باره همین مقاله نیز صادق باشد و فاصله

نسبی قلم آن با فضای نوشته‌های تاریخی مانع پیوند آسان و زود دانشجویان تاریخ با آن شود، ولی از یاد نباید برد که این دوران گذر را ناگزیر باید سپری کرد، بدین معنی که تحول در دانش تاریخ همانند همه شاخه‌های علوم انسانی در گروه شناخت درست دانش غربی در این زمینه است، بدون شناخت درست آنچه در غرب عرضه شده است و بدون خواندن آن و بدون فهم آن سخن از نقد اندیشه‌های غربی به میان آوردن از یک سو و پی ریختن یک دانش بومی از سوی دیگر امکان‌پذیر و حتی باورپذیر نیست و بی‌تردید فهم زبان غربی در این زمینه هنوز برای ما نامأنوس است. درست است که دانشجوی تاریخ بدون آگاهی کافی از تاریخ فلسفه و جریانهای فلسفی در غرب نمی‌تواند محتوای این کتاب را به خوبی دریابد، ولی بدون تردید در پرتو مطالب این کتاب، افق‌هایی کاملاً نو و پرسشهایی نو در باره نگاه نظری به تاریخ در ذهن او گشوده خواهد شد. موفقیت نسبی کتاب هم در همین نکته است که به شیوه جدیدی برای نگرستن به تاریخ و نگاشتن تاریخ فرامی‌خواند؛ هر چند این شیوه جدید نه مبانی معرفت‌شناختی و نه مبانی روش‌شناختی روشن و نه رویکرد مشخص و نه مرحله‌بندی معینی دارد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. یکی از بهترین گزارش‌ها در این باره را در کتاب PHILOSOPHY OF HISTORY; A Guide for Students نوشته Lemon می‌توان یافت، به ویژه در ده فصل بخش نخست کتاب با عنوان Speculative philosophy of history. این کتاب با این نام به زبان فارسی هم ترجمه شده است: لمون، مایکل، فلسفه تاریخ؛ راهنمای دانشجویان. بخش سوم جلد ششم تاریخ فلسفه کاپلستون با عنوان ظهور فلسفه تاریخ (کاپلستون، صص ۱۶۹ - ۱۹۸ نیز برای برآمدن فلسفه تاریخ در دوره نوین ماقبل کانتی (کاپلستون، ص ۴۲۵) دربردارنده آگاهی‌های ارزشمندی است. و نیز ص فصل پنجم کتاب Foundations of Modern Historical Thought; From Machiavelli To Vico نوشته Avis, Paul هم با عنوان History and Philosophy on The Eve of the Enlightenment با وجود تکیه بر تاریخ‌نگری اندیشمندان مطرح عصر روشنگری و فاصله نسبی آن با مباحث رایج فلسفه تاریخ، برای نشان دادن زمینه‌های پیدایش فلسفه تاریخ سودمند است. مقاله "در باره فلسفه تاریخ" نوشته کلباسی اشتری هم برای نشان دادن چگونگی شکل‌گیری دیدگاه جدید در باره تاریخ و تمایزهای آن با ادوار پیشین به کار می‌آید.

۲. رشته فلسفه تاریخ برای مقطع دکتری که از سوی دانشگاه باقر العلوم علیه السلام به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ارائه شده است، اکنون (فروردین ۱۳۹۹ ش.) در آخرین مراحل بررسی و تصمیم‌گیری نهایی قرار دارد.
۳. در این سخنرانی کوشیده شده است مهمترین تأملات مربوط به بومی نبودن فلسفه علم تاریخ در کشورمان گزارش شود: الویری، فلسفه علم تاریخ: مسائل، چالش‌های موجود و ظرفیتهای ما، صص ۵۷ - ۶۰
۴. ظاهراً هنوز گزارشی سنجیده روش‌مند از کارهای قابل توجه انجام شده در این باره در دست نیست، ولی اغلب گزارشهایی که در باره وضعیت تاریخ‌نگاری در جهان اسلام معاصر تدوین شده، خالی از مباحث نظری است، به عنوان نمونه، ناجی و دیگران، تاریخ و تاریخ‌نگاری، صص ۶۷ تا ۷۷. و این خود نشانه‌ای از اهتمام کمتر جهان اسلام به این موضوع مهم است.
۵. داوری در این زمینه نیز نیازمند بررسی‌ها و مطالعاتی گسترده‌تر است، این مقاله کوشیده است نشانه‌هایی از ضرورت در انداختن طرحی نو را گزارش کند: الویری، پیشنهاد طرح‌واره‌ای بومی برای فلسفه تاریخ و نیز: الویری، مفهوم اسلامی شدن دانش تاریخ: الگویی برآمده از تاریخ اسلام و نیز پاسخ نقدهای آن در: الویری، آینه هدیه‌ها؛ پاسخواره‌ای به نقدهای مفهوم اسلامی شدن دانش تاریخ
۶. خاستگاه این مطالعات الزاماً در کشورهای عربی نبوده است، کتاب المسلمون و کتابه التاریخ؛ دراسة فی التأسیل الاسلامی لعلم التاریخ نوشته دکتر عبدالعلیم عبدالرحمن خضر در سال ۱۹۹۳ م. ۱۴۱۴ ق. که از نمونه‌های خوب در این زمینه به شمار می‌رود، از سوی المعهد العالمی للفکر الاسلامی در امریکا منتشر شده است.
۷. آثار شهید مطهری در زمینه فلسفه تاریخ چنین است: جامعه و تاریخ، فلسفه تاریخ، ج ۲، فلسفه تاریخ، ج ۳: مباحثی در باره اشتراک اولیه، برده‌داری، فئودالیسم، سرمایه‌داری و سوسیالیسم، فلسفه تاریخ، ج ۴: فلسفه تاریخ در قرآن، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ
۸. روشن است که این سخن به مفهوم نادیده انگاشتن کوششهایی که در این زمینه صورت گرفته است؛ نیست، مانند کتاب فلسفه نظری تاریخ؛ مفاهیم و نظریه‌ها نوشته آقای دکتر مجید کافی در زمینه فلسفه نظری تاریخ و کتاب فلسفه انتقادی تاریخ نوشته آقای دکتر سیدابوالفضل رضوی. سخن در دایره اثرگذاری و ایجاد یک جریان است.
۹. ظاهراً تنها نشریه تخصصی در این زمینه دو فصلنامه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری در دانشگاه الزهراء است ولی اغلب نشریات پژوهشی تاریخ به ویژه فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام در شماره‌های مختلف خود مقالاتی در این زمینه منتشر می‌کنند. سامانه یک دوفصلنامه جدید با عنوان "تأملات نظری تاریخ و تمدن" در صفحه نخست پایگاه اطلاع‌رسانی دانشگاه باقر العلوم

از روایت فلسفی تاریخ تا روایت فلسفه تاریخ؛ خوانش انتقادی کتاب ... (محسن الویری) ۹۱

علیه السلام به چشم می‌خورد که ظاهراً فعلاً در مرحله گردآوری مقالات است و تا کنون هیچ شماره‌ای از آن منتشر نشده است.

۱۰. بخش‌های اصلی بحثی که با عنوان "شیفتگی و آشفتگی در فلسفه تاریخ" در ۲۷ مهر و ۱۱ آبان ۱۳۸۸ در گروه فلسفه مضاف انجمن عالی حکمت ارائه شده بود، در این مقاله بازتاب یافته است: الویری، پیشنهاد طرح‌واره‌ای بومی برای فلسفه تاریخ، ص ۵۹ و ص ۶۶.

۱۱. جلسه «نقد و بررسی کتب سه گانه روش‌شناختی اثر دکتر احمد محمدپور» از سوی کانون علمی-فرهنگی رونان(مرویون) با همکاری ارشاد اسلامی مریوان و دفتر استانی انجمن جامعه‌شناسی ایران در ۱۱ خرداد ۱۳۹۱ در دانشگاه پیام نور برگزار شده است، بنگرید به:

<https://b2n.ir/592406>

۱۲. برای آگاهی بیشتر از فعالیتهای علمی و آثار ایشان، بنگرید به:

<https://scholar.google.com/citations?user=8pkQnIAAAAJ&hl=en>;

<https://independent.academia.edu/Mohammadpur>;

[https://www.researchgate.net/profile/Ahmad\\_Mohammadpour](https://www.researchgate.net/profile/Ahmad_Mohammadpour)

۱۳. برای معانی "از" بنگرید به ابن هشام، ۱۹۷۹: صص ۴۱۹ - ۴۳۱ و برای معانی "تا" در زبان فارسی، بنگرید به بهروز، ۱۳۵۵: ۲۷۱ - ۲۷۲.

۱۴. برای آگاهی از زندگی و افکار او، بنگرید به:

<https://www.history.com/topics/ancient-history/herodotus>

<https://www.britannica.com/biography/Herodotus-Greek-historian>

۱۵. برای آشنایی با او نیز این دو منبع بسیار سودمند است: کلی، ۱۳۹۸ با عنوان: آن‌بیدیو؛ قدم اول و نیز دورو، ۱۳۹۵ با عنوان آن‌بیدیو؛ برای آخرین بار.

۱۶. برای آگاهی از مهمترین کارهای انجام شده در باره ابن خلدون در زبانهای انگلیسی و فرانسه، بنگرید به الطالبی، صص ۱۱۹ - ۱۲۱.

## کتاب‌نامه

ابن‌هشام الانصاری، جمال‌الدین (۱۹۷۹)، مغنی اللیب عن کتب الاعاریب، حقه و علق علیه: مازن المبارک، محمدعلی حمد الله. راجعه: سعید الافغانی، بیروت: ط ۵ (افست: تبریز، مکتبه بنی‌هاشمی، بی تا)

الویری، محسن (۱۳۹۱)، «پیشنهاد طرح‌واره‌ای بومی برای فلسفه تاریخ»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال سوم، بهار ۱۳۹۱ ش.، شماره ۶، صص ۵۷ - ۷۷.

- الویری، محسن (۱۳۹۲)، «فلسفه علم تاریخ: مسائل، چالش‌های موجود و ظرفیتهای ما؛ گزارش سخنرانی ارائه شده در گروه علمی فلسفه علوم انسانی، مجمع عالی حکمت اسلامی، دوشنبه، ۲۹ مهر ۱۳۹۲ ش. و دوشنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۲ ش.»، حکمت اسلامی (خبرنامه مجمع عالی حکمت اسلامی)، سال ششم، شماره ۲۷، صص ۵۷ - ۶۰.
- الویری، محسن (۱۳۹۶ الف)، «آینه هدیه‌ها؛ پاسخواره‌ای به نقدهای مفهوم اسلامی شدن دانش تاریخ»، فصلنامه تخصصی علوم انسانی اسلامی صدرا، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۶ ش.، صص ۵۶ - ۷۹.
- الویری، محسن (۱۳۹۶ ب)، «مفهوم اسلامی شدن دانش تاریخ، الگویی برآمده از تاریخ اسلام»، فصلنامه تخصصی علوم انسانی اسلامی صدرا، شماره ۲۱، صص ۱۵ - ۲۳.
- برنز، رابرت (۱۳۸۱)، فلسفه و تاریخ، ترجمه: عزت الله فولادوند، بخارا، شماره ۲۴، صص ۸ - ۱۸.
- بهروز، اکبر (۱۳۵۵)، «انواع و معانی مفردات زبان فارسی: تا»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱۱۸، صص ۲۶۳ - ۲۷۶.
- خضری، عبدالعلیم عبدالرحمن (۱۴۱۴)، المسلمون و کتابه التاریخ: دراسة فی التأسیل الاسلامی لعلم التاریخ، فیرجینیا: المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ط ۱
- دورو، فیلیپه، آلن بدیو (۱۳۹۵)، برای آخرین بار، ترجمه: علی برزگر، وبسایت ترجمان، (مراجعه: ۲۶ فروردین ۱۳۹۹ ش.): <http://tarjomaan.com/neveshtar/8372>
- رضوی، سیدابوالفضل (۱۳۹۱)، فلسفه انتقادی تاریخ، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۰)، تاریخ در ترازو، تهران: امیرکبیر، چ ۳.
- طالبی، محمد (۱۳۹۱)، ابن خلدون و تاریخ، ترجمه: محسن حسنی و سپیده ره‌انجام، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- کاپلستون، فردریک (۱۳۸۷)، تاریخ فلسفه، ج ۶: از ولف تا کانت، ترجمه: اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ سروش، چ ۴.
- کافی، مجید (۱۳۹۳)، فلسفه نظری تاریخ؛ مفاهیم و نظریه‌ها، ناشر: قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سمت.
- کلباسی اشتری، حسین (۱۳۸۵)، «در باره فلسفه تاریخ»، فلسفه‌های مضاف، ج ۱، به کوشش: عبدالحسین خسروپناه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، صص ۴۵۱ - ۴۶۶.
- کلی، مایکل جی (۱۳۹۸)، آلن بدیو؛ قدم اول، ترجمه: ابراهیم اسکافی، تهران: شیرازه.
- لمون، فلسفه تاریخ؛ راهنمای دانشجویان (۱۳۹۴)، ترجمه: محمدحسین وقار، تهران: اطلاعات.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، فراروش: بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری، تهران: جامعه‌شناسان، چ ۳.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۶)، تاریخ به روایت فلسفه؛ از هرودت تا آلن بدیو، قم: نشر لوگوس.

از روایت فلسفی تاریخ تا روایت فلسفه تاریخ؛ خوانش انتقادی کتاب ... (محسن الویری) ۹۳

محمدپور، احمد (۱۳۹۸ الف)، روش در روش: در باره ساخت معرفتی در علوم انسانی، قم: لوگوس، چ ۲

محمدپور، احمد (۱۳۹۸ ب)، ضد روش: زمینه‌های فلسفی رویه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی، قم: نشر لوگوس، چ ۱.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، فلسفه تاریخ، ج ۲، تهران، قم: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، فلسفه تاریخ، ج ۳: مباحثی در باره اشتراک اولیه، برده‌داری، فئودالیسم، سرمایه‌داری و سوسیالیسم، تهران، قم: صدرا، چ ۱.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، فلسفه تاریخ، ج ۴: فلسفه تاریخ در قرآن، تهران، قم: صدرا، چ ۱

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ به ضمیمه شهید، تهران: حکمت

مطهری، مرتضی (بی تا)، جامعه و تاریخ (مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی: ۵)، قم: تهران: صدرا

مهتا، ود (۱۳۶۹)، فیلسوفان و مورخان (دیدار با فیلسوفان انگلیس)، ترجمه: عزت‌الله فولادوند، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چ ۱.

ناجی، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۳)، تاریخ و تاریخ‌نگاری، تهران: نشر کتاب مرجع، چ ۴.

«نقد و بررسی کتب سه‌گانه روش‌شناختی اثر دکتر احمد محمدپور» (۱۳۹۷)، مراجعه: ۲۶ فروردین ۱۳۹۹ ش.، آدرس کوتاه شده: <https://b2n.ir/592406>

هیوز، مارنی، وارینگتن (۱۳۸۹)، پنجاه متفکر کلیدی در زمینه تاریخ، ترجمه: محمدرضا بدیعی، تهران: امیرکبیر، چ ۲.

Avis, Paul (1986), Foundations of Modern Historical Thought; From Machiavelli To Vico, London; Sydney, Dover, New Hampshire: Croom Helm

(مراجعه: ۲۴ فروردین ۱۳۹۹ ش.) <https://independent.academia.edu/Mohammadpur>

(مراجعه: ۲۴ فروردین ۱۳۹۹ ش.) <https://scholar.google.com/citations?user=8pkIQnIAAAAJ&hl=en>

(مراجعه: ۲۴ فروردین ۱۳۹۹ ش.) <https://www.britannica.com/biography/Herodotus-Greek-historian>

(مراجعه: ۲۴ فروردین ۱۳۹۹ ش.) <https://www.history.com/topics/ancient-history/herodotus>

(مراجعه: ۲۴ فروردین ۱۳۹۹ ش.) [https://www.researchgate.net/profile/Ahmad\\_Mohammadpour](https://www.researchgate.net/profile/Ahmad_Mohammadpour)

Lemon, M.C. (2003), Phiosophy Of History, A Guide for Students, London: Routledge